

جایگاه زنان در انقلاب اسلامی

مجتبی دهدار ۱ و فرزاد روانگرد ۲

۱ دانشجوی دکتری علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی و مدرس دانشگاه

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

با تغییر نگرش نسبت به زن در جریان انقلاب اسلامی، زنان توانستند حضور پررنگی در عرصه اجتماعی و سیاسی پیدا کنند. امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب با عدم پذیرش نگاه سنتی نسبت به زن و ایجاد نگرشی نو، زمینه رهایی زنان از بند باورهای غلطی که در ساحت دین ریشه دوانده بود را مهیا نمود تا زنان با پی بردن به ارزش واقعی خویش توانایی های بالقوه خود را در عرصه های مختلف به خصوص عرصه مبارزه به منصفه ظهور برسانند. با پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی تا حد زیادی فرصت های برابری را برای زنان و مردان برای ایفای نقش در مسئولیت های بالای مملکتی در نظر گرفت. بنابراین با وجود چنین نظام حقوق سیاسی و همچنین فرهنگ سیاسی مشارکتی، شرایط مهیا گشت که زنان بتوانند حضور خود را در عرصه های مختلف به خصوص در عرصه سیاسی به اثبات برسانند. این مقاله که با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه ای فراهم گردیده است درصدد بررسی جایگاه زنان بعد از پیروزی انقلاب به خصوص در عرصه مشارکت سیاسی، اجتماعی می باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، زنان، انقلاب اسلامی، فرهنگ سیاسی.

مقدمه

مردمی بودن انقلاب اسلامی مهمترین خصلت آن بوده است، و از آنجایی که زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دادند، انقلاب اسلامی زمینه را برای حضور گسترده و مؤثر زنان فراهم نمود. مطابق مطالعات انجام شده زنان نقش مهمی در دوران نهضت اسلامی داشتند. البته این حضور با توجه به شرایط مختلف سالهای نهضت متفاوت بوده است ولی در هر صورت و با طرق مختلف اعتراض خود را نسبت به وضعیت موجود که از نظر آنها نامساعد می نمود، نشان می دادند. از این رو مشاهده می کنیم که هر جا که مشارکتی از جانب مردان وجود داشته حضور زنان ثمربخش بوده است.

امام خمینی (ره) به عنوان رهبر نهضت اسلامی در رابطه با نقش زنان در دوران نهضت اسلامی می فرماید: «شما بانوان در ایران ثابت کردید که در پیشاپیش این نهضت قدم برداشتید. شما سهم بزرگی در این نهضت اسلامی ما دارید. شما در آتیه برای مملکت ما پشتوانه هستید.» اما حضور زنان در عرصه انقلاب به شیوه های مختلف صورت می گرفت؛ و این حضور از توزیع و پخش اعلامیه تا حضور در عرصه های مبارزه مسلحانه متغیر بوده است و این مبارزه با وجود فشارها و سیاست سرکوب که از جانب سازمان های امنیتی دوره ی پهلوی اعمال می شد ادامه داشت و زنان پا به پای مردان تا پیروزی نهضت همراه بودند البته حضور فعال و همه جانبه زنان در سال های نزدیک به پیروزی نهضت اسلامی افزایش چشمگیری داشت. به طوریکه زنانی که تا پیش از آن با فعالیت های مخفی و احیاناً به عنوان مادران شهید یا همسران مبارزان شهید و یا دربند، با رژیم در حال مبارزه بودند، به خیابانها آمدند و حضور خود را آشکارا اعلام کردند.

امام خمینی بعد از پیروزی انقلاب در سخنان خود ضمن اشاره به حضور زنان در تظاهرات خیابانی آنان را به عنوان پیشروان نهضت اسلامی قلمداد می کند: « ما نهضت خودمان را مرهون زنها می دانیم. مردها به تبع زنها در خیابانها می ریختند. تشویق می کردند زنها مردان را. خودشان صف های جلو بودند. زن یک همچو موجودی است که می تواند یک قدرت شیطانی را بشکند. »

از جمله وقایعی که حضور زنان به خوبی در آن مشهود است، حادثه روز ۱۷ شهریور در میدان ژاله (شهیدا)، بود که تعدادی از آنها کشته شدند و به قول استاد مطهری این فاجعه نقطه عطف مهمی در تاریخ حضور آنان در عرصه سیاست محسوب می شود.

نکته قابل توجه، تغییر نگرش نسبت به حضور زنان در عرصه اجتماعی است. در زمانه ای که برخی علما و روحانیان با تأکید بر نگاه سنتی نسبت به زن، خواهان خانه نشینی زنان بودند، رهبر نهضت اسلامی با دیدی روشن بین بر حضور زنان در عرصه جامعه و مبارزه تأکید داشتند و بعداً نیز در سخنان خویش به این تحول و تغییر نگرش اشاره فرموده اند: «نهضت اسلامی به برکت اسلام چنان تحولی در نفوس زن و مرد جامعه به وجود آورده که ره صد ساله را یک شبه طی نموده است. و شما ملت شریف دیدید که زنهاى محترم متعهد ایران، پیشاپیش مردان به میدان رفته و سد عظیم شاهنشاهی را در هم شکستند و ما و همه مرهون قیام و اقدام آنان هستیم»^[۶]. همچنین فرموده اند: « اگر این نهضت و انقلاب اسلامی هیچ نداشت جز این تحولی که در بانوان و در جوانان ما پیدا شد؛ این یک امری بود که کافی بود برای کشور ما» به هر حال، امام خمینی که با تغییر نگرش نسبت به زنان در مجامع مذهبی، انقلابی به پا کرده بود، همواره نقش زنان را در انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داده اند.

روشهای مشارکت زنان در عرصه مبارزات سیاسی در دوران نهضت اسلامی

زنان به شیوه های مختلفی در دوران نهضت اسلامی مشارکت داشتند، بارزترین این شیوه ها، شرکت در تظاهرات و راهپیمایی ها بود. مشارکت زنان در تظاهرات توده ای علیه رژیم شاه در ماههای واپسین سال ۱۳۵۷ مهر تأییدی است بر پیدایش این آگاهی تازه میان زنان که نباید نقش آنها به فعالیتهای درون خانه محدود شود و ریختن به خیابانها در کنار مردان نیز وظیفه آنان به عنوان زن ایرانی می باشد. شرکت در اعتصابات نیز شکل دیگری از مشارکت آنها در دوران مبارزه بود. همانگونه که می دانیم یکی از عوامل اصلی در پیشبرد نهضت که نهایتاً به فلج شدن رژیم پهلوی انجامید اعتصابات و دست کشیدن از کار بود. مشارکت زنان در اعتصابات در همه سازمانها و نهادهای دولتی و خصوصی بسیار گسترده بود. به گونه ای که در ماههای نزدیک به پیروزی انقلاب، حتی کارکنان نهاد دولتی «سازمان زنان ایران» نیز به اعتصابات پیوستند.

شکل دیگر از فعالیت زنان در دوران انقلاب، تکثیر و پخش اعلامیه ها و نوارهای امام با هدف رساندن پیام اسلامی و شناسایی حقایق اسلامی به مردم بوده است.

حضور زنان با حجاب اسلامی در انظار عمومی، از دیگر جلوه های مبارزه آنان با سیاست های رژیم پهلوی بود. دلیل اصلی این امر ناراضیاتی زنان از سیاست های جنسیتی حکومت و الگوی زن ایرانی مورد تبلیغ شاه بود.

در عرصه مبارزه مسلحانه نیز زنان حضور داشتند. گروهی از زنان دست به مبارزه مسلحانه می‌زدند که در این میان دو گروه اسلامی و چپ‌گرا قابل‌ردیابی هستند. نقش زنان در مبارزات مسلحانه، بیشتر خود جوش و بیرون از گستره گروه‌های سازمان یافته بود و در تداوم شرکت آنان در تظاهرات شکل می‌گرفت و بیشتر حالت نقل و انتقال سلاح و مهمات و نیز آماده‌سازی کوکتل مولوتف را داشت.

شهید مطهری حضور زنان در پیروزی انقلاب اسلامی را این چنین تبیین می‌نماید: «توافقاً یکی از جنبه‌های جالب و حیرت‌انگیز انقلاب اسلامی ایران همین مسأله است. یعنی انقلابی با ویژگی‌هایی در جامعه پیدا شد که از نظر آنها که برای خودشان معیارهایی دارند غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل‌سنجش بوده است. در غرب این تبلیغ زیاد شده است به طوری که برای آنان تبدیل به یک باور شده که زن در جامعه اسلامی از حقوق خویش محروم بوده و هست و زنها عناصر ناراضی در میان مسلمانان هستند.

بنابراین اگر به آنها عرضه شود که انقلابی در جهت اسلامی می‌خواهد پیدا شود و انقلابی است که خواهان برقراری ارزشهای اسلامی است نهایتاً در جبهه مخالف شرکت خواهد کرد.

چون براساس فرضیه آنها، زنها از اسلام و از جامعه‌ای که با معیارهای اسلامی اداره شود ناراضی اند. بنابراین در این انقلاب شرکت نخواهند کرد. ولی در عمل، زنها نه تنها در این انقلاب شرکت کردند بلکه اگر حضور آنان نبود هیچ‌گاه انقلاب به ثمر نمی‌رسید؛ چراکه زنان نه فقط شرکت مستقیم شان مؤثر بود بلکه تأثیر شرکت غیرمستقیم‌شان (یعنی تأثیری که روی برادران، پدران، شوهران و فرزندانشان داشتند) از تأثیرمستقیم خودشان کمتر نبوده و این خود یک مسأله فوق‌العاده است»

نقش و جایگاه زنان بعد از پیروزی انقلاب

همانگونه که گفته شد یکی از تحولاتی که در خصوص زنان رخ داد تغییر نگرش به نقش و جایگاه زنان در اجتماع از طرف مجامع مذهبی بود، قبل از پیدایش نگرش جدید، نگاه غالب تأکید بر ضرورت خانه‌نشینی و انجام وظایف مربوطه به خانه و خانه‌داری بود اما نگرش روحانیان روشن بین غیر از این بود و خواهان این بودند که زنان با حفظ شئون اسلامی حضور پررنگی در عرصه‌های مختلف داشته باشند. از جمله عرصه‌هایی که زنان می‌بایست نقش مؤثری در آن داشته باشند می‌توان به دوران جنگ ایران و عراق و حضور در عرصه سیاسی اشاره کرد. اما قبل از پرداختن به آن لازم است به تغییر فرهنگ سیاسی در ایران پس از انقلاب اشاره شود.

تغییر فرهنگ سیاسی در ایران پس از انقلاب

فرهنگ سیاسی نظام عقاید تجربی نمادهای معنوی و ارزش‌هایی است که شرایط پدید آمدن فعالیت سیاسی را تعریف می‌کند. فرهنگ سیاسی ایران در دوران قبل از انقلاب اسلامی، متأثر از منابع گوناگونی بوده است. از جمله موقعیت تاریخی، موقعیت جغرافیایی، موقعیت اقتصادی، بافت جمعیتی، سایر ایدئولوژی‌ها و ادیان، کانون تربیتی خانواده و تداوم نظام سیاسی استبدادی که هر یک از منابع به نحوی بر شکل‌گیری و تداوم فرهنگ سیاسی محدود-تبعی در جامعه ایران تأثیر داشته‌اند.

در نتیجه چنین فرهنگی (فرهنگ سیاسی محدود-تبعی) هیچگاه به صورت نهادین و مستمر، فضای دموکراتیک، کثرت‌گرا و متساهلی در ایران شکل نگرفته است که زمینه‌ای برای ورود زنان به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه شود. از طرفی ساختار سیاسی متصلب حاکم، نه تنها درصدد تحول این فرهنگ و فراهم نمودن زمینه مشارکت و رقابت گروهی، قومی، فرهنگی، تمدنی و نیز مساعد نمودن زمینه برای نقش‌آفرینی زنان در زندگی و سرنوشت خویش نبود، بلکه خود به باز تولید آن پرداخته است.

با وقوع انقلاب اسلامی، انتظار می‌رفت تحول فرهنگ سیاسی و رفع موانع مشارکت برای زنان و رقابت سیاسی مندرج در چنین فرهنگ غیر دموکراتیکی در اولویت اقدامات حاکمان و نخبگان حکومتی قرار گیرد. در چنین فضایی تحت تأثیر دو متغیر، یکی نقش مذهب و دیگری تأکید برجستگان فکری و دینی بر نقش مردم، نوع فرهنگ سیاسی دگرگون شد که از یک طرف برجستگانی مانند آیت‌الله مطهری، آیت‌الله طالقانی و شریعتی به زعامت امام خمینی نقش محوری داشتند و از طرف دیگر حوادث بین‌المللی نظیر انقلاب کوبا، الجزایر و ویتنام نیز در تغییر فرهنگ سیاسی مردم ایران پس از انقلاب نقش داشته‌اند. فرهنگ سیاسی جدید در ایران پس از انقلاب، حاصل نوعی فرهنگ سیاسی تبعی-مشارکتی است که در این فرهنگ سیاسی جدید عناصری وجود داشته که مشارکت را به شدت تشویق می‌کند.

یکی از مهمترین تحولات صورت گرفته در فرهنگ سیاسی ایران بعد از انقلاب، افزایش نقش و حضور زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی می‌باشد. همچنین از دیگر شاخص‌های فرهنگ سیاسی مشارکتی و حرکت در مسیر توسعه سیاسی در جوامع، نوع نگاه حکومتها به حضور زن در عرصه‌های مختلف جامعه است.

بدیهی است که هر چه حضور زنان در اجتماع فعال تر و مؤثر تر باشد، کشور پیشرفته تر و توسعه یافته تر خواهد شد. به طور مسلم میزان نقش و مشارکت زنان در جامعه به ویژه در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تا حد زیادی وابسته به برخورد و نگرش جامعه به زن می باشد.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی موانع چند دیگری نیز باعث کاهش مشارکت سیاسی زنان گردیده بود از جمله می توان به وجود جامعه سنتی و نگرش برخی از علماء که به حضور زن در خانه تأکید داشتند اشاره نمود. و اینکه پروسه مدرنیزاسیون که توسط حکومت پهلوی اجرا گردید شامل قشر خاصی از جامعه گردید. ولی وقوع انقلاب اسلامی ایران موجب تجدید نظر در بسیاری از این دیدگاهها و سمت گیریها گردید. در کنار تغییر فرهنگ سیاسی در ایران پس از انقلاب، می توان از روند تکثرگرایی فرهنگی و شیوع اندیشه جهانی شدن سخن گفت. فرایند دموکراتیزاسیون و پیدایش فرهنگ سیاسی دموکراتیک در ایران که تا سالهای اولیه دهه ۷۰ غیرفعال و کند بود در دهه ۱۳۷۰ در نتیجه گسترده شدن محمل اجتماعی و فشارهای فرایند جهانی شدن واکنش مثبت تری از خود نشان داد.

به هر حال پس از پیروزی انقلاب اسلامی مشارکت سیاسی زنان در دو سطح توده و نخبگان رخ داد:

۱- مشارکت سیاسی زنان در سطح توده که شامل شرکت آنان در انتخابات ادواری، شرکت در راهپیمایی ها، شرکت در گروهها، انجمنها و فعالیتهای بسیج و شرکت و حضور در جنگ تحمیلی بوده است.

۲- مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبگان نیز شامل نمایندگی مجلس شورای اسلامی، سهمیم بودن در بخش مجریه سیاسی و خدمات اداری، ملی و بین المللی و همچنین همکاری با قوه قضائیه است.

زمینه های سیاسی افزایش مشارکت زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برگرفته از اسلام می باشد و بر اساس مبنای حقوق اسلامی تدوین شده است. در مقدمه قانون اساسی ۱۳ محور قانون اساسی مورد اشاره قرار می گیرد که در این ۱۳ محور، زنان مورد بحث قرار گرفته اند.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به زنان توجه خاصی شده است. در راستای استیفای بیشتر حقوق زنان، قانون اساسی علاوه بر این که در اصول متعدد به حقوق برابر و وظایف زن و مرد اشاره می نماید حتی در مواردی نیز با توجه به آسیب پذیری زنان در قبال برخی موقعیت ها لزوم حمایت از آنان را مقرر می دارد و دولت را مسئول تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد، ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون می داند و هرگونه تبعیض و عدم تساوی بر مبنای جنسیت را که در واقع ایجاد کننده زمینه برای بروز خشونت با تمامی انواع آن علیه زنان می شود را نفی می کند.

تبعیض علیه زنان بر اساس «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مصوب ۱۳۵۸» بدین گونه تعریف شده است: در چارچوب پیمان نامه حاضر، تبعیض علیه زنان، به معنی هرگونه تمایز، محدودیت یا محدودیت ناشی از جنسیت است که از لحاظ تساوی حقوق زن و مرد و صرف نظر از وضعیت تأهل، منظور از آن آسیب رساندن یا تضعیف، برخورداری یا به کارگیری حقوق انسانی و آزادیهای بنیادین زنان در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدنی یا هر زمینه دیگر بوده و یا منجر به آن می شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به همین مسأله در اصول متعدد به برابری حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدنی زن و مرد اشاره می کند.

اصل سوم قانون اساسی، از اصولی است که حقوق برابری را صرف نظر از جنسیت برای افراد جامعه بر عهده دولت نهاده و مقرر می دارد: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد.

- بالابردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی.

- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه.

- مشارکت عامه مردم اعم از زن و مرد در تعیین سرنوشت سیاسی خویش.

- رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه.

- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

از دیگر اصولی که مبتنی بر عدم تبعیض جنسیتی است، اصل ۱۹ قانون اساسی است که مقرر می دارد «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» بر اساس قانون فراگیر در ایران هم زنان و هم مردان، حق رأی دارند، بند ۸ اصل ۳ قانون اساسی، مسئولیت تضمین مشارکت عامه مردم در تعیین آینده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنان را

به دولت واگذار می کند. به طور کلی در خصوص حضور زنان در بیشتر پست ها و سمت های رسمی دولتی و قوانین و مقررات مربوط به انتخابات که در قانون اساسی تدوین شده است هیچگونه تبعیض جنسیتی وجود ندارد.

بررسی وضعیت علمی و میزان سواد

یک از مهمترین تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گسترش آموزش عالی در سطوح و مقاطع گوناگون در کشور است. رشد و گسترش آموزش ها با توجه به نیازهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور از مهمترین تلاش ها و اقدامات انجام شده در کشور است. جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ برنامه ریزی های لازم سعی دارد تا برای بهره مندی همگان از سطح آموزش عالی، شرایط لازم را برای رشد تحصیلی و علمی جامعه به خصوص زنان را فراهم نماید.

زنان پس از پیروزی انقلاب به لحاظ شاخصهای آموزشی و علمی به سطح مطلوبتری رسیدند. پیش از دوره پهلوی، نمی توان ارزیابی درستی از آموزش عمومی و تعداد باسوادان کشور داشت، علت اصلی هم نبود آمارهای دقیق است. بر اساس مطالعات موجود در کتابهای تاریخی در سالهای ۱۳۳۵ نسبت باسوادی زنان تنها ۸ درصد بوده که ۱۰ سال بعد به ۱۷/۹ درصد رسید و در سال ۱۳۵۴ نسبت باسوادی زنان به ۳۵/۵ درصد می رسد. یعنی در سالهای آخر حکومت پهلوی هنوز حدود ۶۵ درصد از زنان ایران بی سواد بودند نرخ باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر کشور از سال ۵۵ تا ۸۳ برای مردان ۵۰/۹۳ درصد و برای زنان ۱۲۶/۱۹ درصد رشد داشته است. در سطوح عالی تحصیلی هم سهم دختران دانشجو رشد تصاعدی داشته و نرخ این رشد در سالهای اخیر بیش از ۶۰/۵ درصد را نشان می دهد آمارهای مرکز آمار، مؤید آن است که در سال ۱۳۷۵ از جمعیت بالای ۶ سال ۷۹/۵۱ درصد باسواد بوده اند. این رقم در سال ۱۳۵۵ برابر ۴۷ درصد بوده است

اشتغال زنان ایران پس از انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن اهداف والای اسلامی توجه ویژه ای به توانمندسازی زنان برای حضوری مؤثر و مفید در جامعه مبذول داشته است. زنان با تجهیز به ابزار علم و دانش بخصوص پس از انقلاب اسلامی نقش قابل توجهی را در عرصه های اقتصادی جامعه ایفا نموده اند. اهتمام جمهوری اسلامی ایران به امر حفظ کیان خانواده به عنوان اصلی ترین ابزار جهت برقراری امنیت و اعتدال اجتماعی و روحیه پرتلاش و ایثارگر بانوان این سرزمین برای حضوری مؤثر و مفید در نقشهای مادری و همسری و در ساحت خانواده، از جمله عواملی است که همواره در کنار اشتغال زنان مطمع نظر سیاستگذاران امر قرار گرفته است.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجارب جهانی در تزلزل بنیان های خانواده، بی ثباتی و تخریب ارزشهای اخلاقی و اجتماعی، طرح حمایت از کانون خانواده را در کنار بحث اشتغال زنان ارج می نهد. از نقاط ضعف و خلأهای موجود در تز جهانی اشتغال زنان، استفاده ابزاری از زنان جهت دستیابی به حداکثر سود مادی است. نتایج و عوامل بر آمده از وجود چنین نگاهی تک بعدی به بحث اشتغال بانوان بدون توجه به وظیفه و تمایل اصلی آنان، به ناهنجاریهای متعددی در عرصه خانوادگی، اجتماعی و فروپاشی توازن و تعادل جامعه می انجامد. نگاهی کلان و مجموعه نگر به بحث اشتغال زنان و استفاده از سیاست هایی که مصونیت خانواده را در کنار حضور اقتصادی و اجتماعی آنان توأمان هدف گذاری نماید از مهمترین نقاط مغفول مانده از دید طراحان و تصمیم سازان بین المللی در حوزه مسائل زنان است.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به اصل توازن و اعتدال برای دو جنس و با در نظر گرفتن ویژگیهای کتمان ناپذیر زنان در پی ارائه جایگاه ویژه و متناسب با آنان در عرصه فعالیت های اقتصادی است. با توجه به رویکرد حاضر توانمندسازی زنان به این معنا است که بتوان از حضور بهینه، مؤثر و مفید آنان با در نظر گرفتن مزیت های ویژه و مطابق با شرایط جنسی در صحنه های توسعه بهره مند شد.

در دیدگاه اسلامی حق مالکیت و امکان اشتغال زن محترم شمرده شده لیکن وی در تأمین هزینه خانواده مسئول نیست. بنابراین نه تنها مصلحت زن، بلکه مصلحت مرد و کانون خانواده نیز در این است که زن از تلاش های اجباری خردکننده معاش معاف باشد. در نظر گرفتن یک بسته کامل حقوقی با زنجیرهای متصل به هم و گره خورده به مسئولیت های زن و مرد در زندگی و از همه مهمتر ناظر بودن اخلاق بعنوان برقرار کننده روح تعادل و تکامل در زندگی خانوادگی، زنان را براساس بینش اسلامی از دغدغه مسئولیت های اقتصادی فارغ نموده است.

نتیجه گیری :

به دلیل خصلت مردمی انقلاب اسلامی، زنان حضور پر رنگی در این عرصه ایفا نمودند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی در مناسبت های مختلف به این موضوع اذعان داشته اند و حتی در بعضی موارد آنها را در صف مقدم و پیشگام مردان معرفی نموده اند.

به دلیل ساختار سیاسی متصلب، نگاه جامعه و برخی علما به زن که بر خانه نشینی او تأکید داشتند، امید چندانی نمی رفت که زنان بتوانند در دوران نهضت اسلامی خوش بدرخشند. اما تغییر نگرش نسبت به زن که از جانب علما و روحانیان روشن بین رخ داد، موجب شد که زنها از کنج خانه بیرون بیایند و با ریختن در خیابانها و شرکت در فعالیتهای ضد رژیم اعتراض خود را نشان بدهند.

با پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ، زنان وظیفه خود را در طول دوران جنگ به نحو مطلوب انجام دادند و در عرصه سیاسی نیز مشارکت آنان در سطح توده و نخبگان افزایش یافت و مهمتر، فرصت های برابری است که قانون اساسی در اختیار زنان قرار داده است که بتوانند در مناصب بالای مملکتی از جمله حضور در مجلس خبرگان، شورای نگهبان و پست ریاست جمهوری به ایفای نقش بپردازند. چیزی که عملاً به تحقق نیپوسته است اما توانسته اند در مجلس شورای اسلامی و منصب وزارت وظایفی را بر عهده بگیرند.

واقعیت این است که در عصر حاضر بخش قابل ملاحظه‌ای از زنان کشور که پیش از انقلاب بر پایه فتوای فقها و باورهای دینی خود و افراد ذکور خانواده از حضور در فعالیتهای اجتماعی دوری می جستند و فضای فرهنگی را مناسب حال خود نمی یافتند، اینک آماده ابراز وجود شده اند و می توانند در صورت وجود زمینه های مساعد برای فعالیت، با حفظ موازین اسلامی در امور مورد علاقه شان فعال بشوند و دولت نیز بنا به خواسته قانون اساسی می تواند از آنها به عنوان یک نیروی سیاسی بالقوه برای فعالیت در سیاست های رسمی خویش بهره جوید.

منابع:

- ال غفور، محمدتقی، «خاستگاه فرهنگ سیاسی ایران معاصر»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۶، ۱۳۸۰.
- ال غفور، محمدتقی، «فصل جدید مشارکت سیاسی زنان در ایران»، فصلنامه بانوان شیعه شماره ۱۸، ۱۳۸۷.
- بهرامی، فاطمه، «جایگاه زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی ترویجی، بانوان شیعه، سال ۵، شماره ۱۸، ۱۳۸۷.
- بشیریه حسین، دیباچه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۱.
- حافظیان، محمدحسین، زنان، انقلاب، داستان ناگفته، تهران، اندیشه برتر، ۱۳۸۰.
- رحمانیان، زهرا، نقش پشتیبانی رزمی زنان در دفاع مقدس، جلد دوم، تهران، سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج، کنگره نقش زنان در دفاع و امنیت، ۱۳۷۳.
- زیباکلام، صادق، درآمدی برانقلاب اسلامی ایران، تهران، روزنه، ۱۳۷۲.
- شریف، محمدرضا، انقلاب آرام، تهران، روزنه، ۱۳۸۰.
- شیرودی مرتضی، «وضعیت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران و آینده آنان»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۷۶، ۱۳۸۵.
- صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- علوی محمدتقی، بررسی حقوق مشارکت زنان ایران در نهادهای سیاسی، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، ۱۳۸۵.
- فارسون و مشایخی، فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، ترجمه معصومه خالقی، تهران، انتشارات باز، ۱۳۷۹.
- فاضلی بیارجمندی، احمد، نقش زنان در زمان امام علی، قم، میثم تمار، ۱۳۸۱.
- کار، مهرانگیز، مشارکت سیاسی زنان، موانع و راهکارها، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۰.
- کدی، نیکی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم، ۱۳۶۹.
- مصفا، نسرین، «نقش مشارکت سیاسی در توانسازی زنان»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۸ شماره ۳، ۱۳۷۳.
- مطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی ایران، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.